

تحلیل نقش حاکمیت دینی در تقویت و استحکام بینش منتظران در عصر غیبت

عادل فاطمیان^۱

چکیده

این نوشتار در مقام بیان جایگاه حاکمیت دینی در تقویت و استحکام بینش منتظران در عصر غیبت است. از مهم‌ترین وظایف حاکمیت دینی، رسیدگی به ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی به ویژه امور بینشی آنان و حفظ و حراست باورها و اندیشه‌های آنان از فتنه‌های آخرالزمانی در عصر غیبت است که باید به آن اهتمام ویژه داشته باشد. حاکمیت دینی می‌تواند به عنوان نهادی قدرتمند در حوزه مدیریتی و اجرایی با تقویت بعد بینشی منتظران در عصر غیبت، آن‌ها را نسبت به آسیب‌ها و انحرافات موجود آگاه کند. همچنین منتظران با تقویت مبانی اعتقادی و همچنین استحکام بخشی به اندیشه‌ها و اعتقاداتشان، از هلاکت در فتنه‌های آخرالزمان نجات یابند و اضطراب به حضور حجت‌الاهی را بیش‌تر احساس کنند. بر اساس یافته‌های تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی و با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است، حاکمیت دینی می‌تواند با تقویت باورمندی به وجود امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، تقویت روح امیدآفرینی به حتمی بودن ظهور، ایجاد و تقویت اندیشه مبارزه با مدعیان دروغین، تقویت اندیشه مبارزه با دشمنان و دشمن ستیزی و ... به تقویت بینش منتظران کمک کند.

واژگان کلیدی: حکومت دینی، تقویت بینش، منتظران، عصر غیبت.

مهم‌ترین موضوع در زندگی هر انسان، اندیشه‌های اوست؛ زیرا اندیشه و باور صحیح سبب رشد و تعالی و بالعکس باورهای غلط و نادرست موجب تباهی و نابودی انسان می‌گردد. به همین دلیل اندیشه نزد خدای متعال از اهمیت والایی برخوردار است و برای تعمیق و عدم انحرافش، ارسال انبیا در دستور کار قرار گرفته تا انسان‌ها از مسیر صحیح خارج نگشته و گرفتار بی‌راهه نشوند. توجه به اصلاح و تقویت اندیشه صحیح برعهده انبیا و جانشینان آنان است که در عصر غیبت و فقدان امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام بر عهده علما و حاکمیت اسلامی قرار داده شده است. با توجه به مستندات و ادله عقلی و نقلی در مورد تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت،^۱ موضوع مهم و چالشی دیگری که مولود آن است، کارآمد و نقش آفرین بودن حکومت دینی در عصر غیبت است که چه نتایج و آورده‌هایی برای مردم خواهد داشت؟

تکامل، تربیت و بلوغ فکری بشر از برنامه‌های مهم سلسله انبیا بوده و این برنامه، در سیره اوصیای الهی مشهود و ملموس است. در زیارت اربعین در وصف امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین آمده است: «او آخرین قطره خورش را در راه خدا بخشید تا بندگان را از حیرت و ضلالت رهایی بخشد.»^۲ تلاش مریبان الهی بر این منوال بوده که فرایند برنامه‌های تربیتی انبیا را از یک نقطه زیربنایی و آغازین شروع کنند و تا غایت نهایی خود پیش ببرند تا زمینه‌ها و شرایط و عوامل اصلی صلاح، شایستگی، سامان یابی، رفاه اجتماعی، عدالت و دادگری، مهرورزی، محبت، ایثار و فداکاری در سطح فرد و جامعه‌ها پدیدار گردد. سهمی از تربیت به خود فرد، خانواده، دوستان و محیط بر می‌گردد و سهمی هم به متولیان امر، مانند علما، دولت‌ها و حکومت‌ها مرتبط است. تربیت منتظران جامعه شیعی با الگوگیری از سیره انبیا توسط حاکمیت اسلامی و با رویکرد سازگار بودن با اصول و مبانی دولت مهدوی می‌تواند بالاترین اقدام اصلاحی در حکومت باشد.

۱. رک: موسوی الخمینی، کتاب البیع (ولایت فقیه)، ادله عقلی و نقلی بر وجود حکومت در عصر غیبت، ص ۲۵-۳۵.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الصَّلَاةِ».

از آن جا که تعالی بخشی به منتظران در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی بشر مسئله‌ای مهم و دغدغه‌آفرین بوده، لازم است حکومت‌ها با وضع و اجرای درست قوانین اجتماعی و فرهنگی بسترهای رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم آورد تا قابلیت لازم برای حضور در دولت کریمه را پیدا کنند؛ زیرا تربیت و تعالی منتظران قبل از ظهور به مثابه باز پروری تمامی استعدادهای پنهان و شکوفا کردن خلاقیت‌های افراد و جوامعی است که مشتاقانه منتظر ظهور کامل‌ترین فرد هستند. از آن جا که قوانین تربیتی در حکومت‌ها با تکیه بر علوم بشری وضع می‌گردد و بعضاً بر اثر دخالت سیاست‌های غلط دولت‌ها، موانع و مشکلاتی را به بار می‌آورد، لذا نتیجه مطلوب آن‌گونه که باید، محقق نمی‌گردد و سبب بروز انحرافات بینشی، گرایشی و کنشی در سطح جامعه می‌گردد. با توجه به ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت و استفاده از آموزه‌های وحیانی در کنار علوم بشری و همچنین لحاظ کردن ظرفیت‌های جوامع، می‌توان قائل شد که در سایه حکومت دینی این ظرفیت وجود دارد تا امور بینشی و گرایشی و کنشی آنان، مردم را تحت الشعاع مباحث وحیانی قرار داده و آن‌را سر و سامان بخشید.

مراد از نقش و کارکردگرایی حکومت دینی، همان تبیین اصول سودمند سازی برای تاثیرگذاری در برطرف کردن نیازهای آحاد جامعه است. در عصر حضور، ائمه علیهم‌السلام متکفل امر هدایت و تربیت جامعه هستند و در عصر غیبت با عدم حضور امام معصوم علیه‌السلام این وظیفه بر عهده نمایندگان و جانشینان آن‌ها (علما) در حاکمیت اسلامی است تا با وضع و اجرای درست قوانین کارآمدی خود را نسبت به هدایت و تربیت جامعه شیعی ایفا کنند. حکومت اسلامی نیز با اضلاع خود باید در ایجاد نظم و وحدت در جامعه، ساخت نهادهای اجتماعی، تامین نیازهای اقتصادی جامعه، تامین امنیت و فرهنگ و ... را بر عهده بگیرد.

در این موضوع، آثار متنوعی همچون کتاب، مقاله و پایان نامه به رشته تحریر در آمده است، اما بیش‌ترین محتوای آن‌ها به اصل ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت و دولت زمینه ساز پرداخته‌اند؛ در حالی که به مقوله اندیشه و بینش منتظران به طور خاص پرداخته نشده است. برخی از این آثار موارد ذیل را شامل می‌شود:

۱. کتاب «مردم و زمینه سازی ظهور»، اثر حسین الاهی نژاد؛ که در چهار فصل تنظیم

شده و به موضوع «مردم و زمینه سازی ظهور» پرداخته است؛ اما بیشترین تکیه آن به زمینه سازی ظهور بوده و نسبت به مقوله بینش، گرایش و رفتار منتظران مطلب چندانی ذکر نکرده است.

۲. کتاب «کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت»، اثر محمود ملکی راد، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷. این کتاب در پنج فصل به برخی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی باور به مهدویت اشاره کرده است.

۳. مقاله «تربیت زمینه ساز عصر ظهور، اصول و الزامات»، نوشته سید احمد رهنمایی، مشرق موعود، شماره ۲۶. در این مقاله به تربیت زمینه ساز برای بازپروری تمامی استعدادها و خلاقیت‌های افراد و جوامع با هدف گذاری کسب لیاقت برای ظهور حضرت اشاره شده است. همچنین به برخی از ویژگی‌های شاخص اخلاقی، مانند عدالت و کمال طلبی و تحول گرایی اشاره شده؛ ولی در حوزه اندیشه و بینش چیزی بیان نکرده است.

۴. مقاله «تحلیل نظریه راه‌کارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت زمینه ساز ظهور»: یوسف ادیب و اسکندر فتحی آذر: مشرق موعود، شماره ۲۶. در این مقاله بعد از ذکر اهمیت و نقش تربیت منتظران برای زمینه سازی به ضعف عملکرد برخی از نهادهای حاکمیتی مسئولیت خطیر برخی دیگر از نهادها، مانند آموزش و پرورش، خانواده و حوزه‌های علمیه پرداخته است.

۵. مقاله «راه‌کارهای تربیت منتظران در عصر غیبت»: دکتر علی نقی فقیهی، مشرق موعود، ۱۳۹۲، شماره ۲۶. در این مقاله هم به برخی از روش‌ها مانند تمهید شرایط رشد شخصیتی افراد و ارائه الگوی مناسب اشاره کرد که البته به مقوله اندیشه و بینش نپرداخته است؛ ولی می‌توان الگوی مناسبی برای تربیت و رشد در حاکمیت باشد.

۶. مقاله «الگوی مفهومی-عملیاتی راه‌اندار راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزش کشور»، حسین بقائی و سایرین، مشرق موعود، سال هفتم. در این مقاله نیز

به تلاش و کوشش برای تربیت انسان منتظر برای مبارزه با اندیشه پوچگرایی در مسیر رسیدن به حیات طیبه نکاتی بیان شده است.

آثار مذکور به صورت تلویحی به بحث تربیت در ابعاد گوناگون منتظران پرداخته‌اند؛ اما با توجه به اهمیت موضوع اعتقادی و خلاء پرداخته شدن به آن در آثار سایر مولفان به صورت مستقل جا داشت به طور خاص به این مسئله پرداخته شود. در این نوشتار به جایگاه و نقش حکومت دینی در تقویت بینش منتظران در عصر غیبت، به روش توصیفی - تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای پرداخته شده است. لذا مسئله این است: «حاکمیت دینی در عصر غیبت چه نقشی در تقویت و تعالی بخشی بینش منتظران خواهد داشت تا اندیشه مهدویت و باورهای شیعی جامعه منتظر را به تعالی برساند و آن‌ها را برای ظهور تربیت کند تا به ضلالت و گمراهی؟»

مفهوم شناسی واژگان

در این بخش از نوشتار به واژگان کلیدی می‌پردازیم:

۱. حکومت دینی

«حکومت دینی»، متشکل از دو واژه حکومت و دین است و همان طور که از واژه آن پیداست، حکومت از ریشه «حکم» در لغت به معنای سررسید، استقرار و ثبات، پاداش و جزا، رسم و عادت، شریعت و مذهب آمده است.^۲ مطابق آنچه در ادبیات سیاسی فراگیر شده «حکومت» شامل مجموعه نهادهایی است که در یک پیوند و ارتباط تعریف شده باشد؛ به طوری که با یکدیگر، در یک سرزمین مشخص و بر اجتماع انسانی ساکن در آن، اعمال حاکمیت می‌کنند.^۳ برخی حکومت را قدرت سیاسی سازمان یافته‌ای می‌دانند که به منظور تامین مصالح افراد جامعه با ایجاد نظم و امنیت در کشور و هدایت جامعه در مسیر صحیح خود، قوانینی وضع و اجرا

۱. جوهری، الصحاح تاج اللغة، ج ۵، ص ۱۹۰۲.

۲. دهخدا، لغت نامه، ص ۵۷۲.

۳. واعظی، حکومت اسلامی، ص ۳۱-۳۲.

می‌کند و بر حسن اجرای آن‌ها نیز نظارت دارد.^۱ حکومتی که مرجعیت همه جانبه دین خاصی را در عرصه مدیریت و اداره جامعه پذیرفته باشد، حکومت دینی نام می‌گیرد. در این نظام، دولت و نهادهای گوناگون، خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهبی خاص متعهد می‌دانند و تلاش می‌کنند در تدابیر و تعلیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکل‌های روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در تمام شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام گیرند و آن‌ها را با دین هماهنگ سازند.^۲ بر اساس این تعریف، حکومت دینی به دنبال تاسیس «جامعه دینی» است؛ تا بتواند تمامی روابط فردی و اجتماعی، در حوزه‌های مختلف فرهنگ، اقتصاد، سیاست، و دفاعی را بر اساس آموزه‌های دینی شکل دهد تا با حکمرانی و مدیریت رهبران مذهبی و افراد دیندار احکام و معارف دینی در آن اجرا شود. لذا برخی قائلند مراد از حکومت دینی، همان حکومت مقبول و مردمی است که خصلت دینی داشته و مقبول متدینان باشد.^۳

۲. بینش

«بینش» به معنای آینده‌نگری و درک ریشه امور یک روش نسبتاً ثابت در فکر بیان شده که سبب پیش بینی و توانمندی در دیدن فرد می‌گردد.^۴ معادل عربی آن «بصیرت»، به معنای تیزبینی و دوراندیشی است^۵ که البته در برخی موارد به معنای معرفت و درک هم به کار رفته است.^۶ به دلیل این‌که اعتقادات همان باورها و اندیشه‌های افراد جامعه است، لذا از ارکان مهم در استحکام ارزش‌های فرد و جامعه محسوب می‌شود. بر این اساس، برخی بینش را، به معنای

۱. شبان‌نیا، فلسفه سیاست، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۲۸-۳۲.

۳. صفائی، او می‌آید، ص ۱۱۴.

۴. جلالی، درآمدی بر بینش، گرایش و کنش و آثار متقابل آنها، ص ۱۳۶.

۵. بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۱۸۶.

۶. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

شکوفای کردن عقل نظری و آماده کردن بستری برای درک صحیح واقعیت‌ها توسط علم، تفکر و معرفت نفس دانسته‌اند.^۱

۳. جامعه منتظر

از آن‌جا که برای «جامعه منتظر» تعریف دقیق و جامعی ارائه نشده است، لذا نمی‌توان به صورت حد تام تعریف دقیقی برای مخاطب ارائه کرد. لذا در حد همان شرح الاسمی به آن اشاره می‌کنیم. جامعه منتظر جامعه‌ای است که به راحتی امکان دسترسی به آن برای منتظران فراهم نیست و تنها خواص مومنان، به‌ویژه شیعیان خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌توانند در تحقق این جامعه منتظر سهیم باشند.

برخی در تعریف جامعه منتظر چنین نوشته‌اند:

مراد از جامعه مجموعه افرادی هستند که دارای عقاید، اهداف و نیازهای مشترک بوده و بر اساس همین نقاط مشترک اجتماع می‌کنند و جامعه منتظر جامعه‌ای است که با بنیاد نهادن بایسته‌های زمینه ساز در ظهور و تداوم بخشیدن به آن در مسیر تحقق حکومت مهدوی گام بر می‌دارد.^۲

اما مقصود ما از جامعه منتظران در این نوشتار، جامعه‌ای است متشکل از شیعیان و پیروان حقیقی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که با اعمال و رفتارهای صحیح خود، در سطح اجتماع، زمینه را برای ظهور ایشان و تشکیل جامعه مهدوی آماده می‌کنند. چنین جامعه‌ای، قبل از جامعه مهدوی تحقق می‌باید.^۳

بستر سازی رشد در حکومت دینی

فرهنگ شیعی به دلیل اعتقاد به امام حجتی، از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و دارای

۱. بخشیان، راهبردهای تعالی معنوی انسان در قرآن، ص ۱۹۰.

۲. برنجکار، وظایف جوانان در عصر غیبت، ص ۱۳.

۳. قنبری نیک، ویژگی‌های اجتماعی جامعه منتظر از منظر آیت الله خامنه‌ای، ص ۲۷-۴۸.

ظرفیتی اثر بخش و مطلوب در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و تربیتی می باشد. نگاه منتظرانه به منجی با هدف گشایش و فرج در امور مختلف، جامعه را به سمت تحول و دگرگونی مثبت سوق می دهد و با ایجاد بینش و نگرش صحیح، آمادگی و پایش در حوزه‌های مختلف امید آفرینی، آرمان گرایی، نشاط و پویایی را به ارمغان می آورد.

درباره نقش حکومت دینی در تقویت بینش منتظران باید بررسی کرد که آیا ظهور، امری الهی است و به مردم و حکومت ارتباطی ندارد و یا عملکرد مردم و حکومت‌ها هم مؤثر هستند؟ (یعنی انسان‌ها بر اسباب و شرایط ظهور نقش دارند یا خیر؟)

حکومت دینی که برگرفته از آموزه‌های ناب اسلامی است، بر اصول و باورهایی مبتنی است که می تواند در ایجاد و یا تقویت بینش نقش آفرین باشد. بر همین اساس دین اسلام بهترین نظام و اصول راهبردی را برای تعیین باورها و اعتقادات انسان ترسیم کرده تا از این رهگذر افراد جامعه بتوانند در حیات دنیوی و اخروی سعادت خویش را کسب کنند.

اگر امر ظهور به عملکرد و اعمال نوع بشر وابسته بوده و ظهور امری بشری تصور گردد و قدرت بشر در آن دخیل باشد؛ ظهور امری تحصیلی محسوب می گردد؛ اما اگر ظهور را از مقوله افعال الهی بدانیم، امری حصولی بوده و فقط در حیطه اراده و قدرت ماورایی محقق می گردد و بشر در آن هیچ نقشی نخواهد داشت؛ نه در اصل رخداد و نه در فرایند آن. لذا در باب کارآمدی حکومت دینی در جهت رشد، تربیت و تعالی منتظران و تاثیر آن در تقویت امر ظهور باید با دو رویکرد ثبوتی و اثباتی به قضیه نگاه کرد:

زمینه سازی با نگرش وظیفه گرایی مطلق؛

۱. زمینه سازی با نگرش وظیفه گرایی معطوف به ظهور؛

در قسم اول (مطلق وظیفه گرایی)؛ برای افراد برخی وظایف تعریف می شود که شخص منتظر، صرفاً با پرداختن به برخی کارهای حسنه و صالح به خودسازی اقدام می کند؛ اما از آن رو که با نگرش مطلق بوده است؛ انجام دادن این قبیل کارها برای جریان ظهور مؤثر نیست؛ اما در

قسم دوم (وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور)؛ با توجه به موضوع ظهور یک ارتباط لزومی بین فرد و عمل صالح ایجاد می‌شود که با جهت دهی به امر ظهور زمینه‌سازی برای فرج را فراهم خواهد کرد که با انجام دادن اعمال صالح و پسندیده در قالب یک منتظر تبلور می‌کند.^۱

با توجه به دخالت هر دو رویکرد در پدیده ظهور ما قائلیم امر ظهور تلفیقی از هر دو امر است و نقش انسان را نمی‌توان نادیده گرفت؛ از طرفی حکمت الهی اقتضا دارد تا برای به کمال رسیدن مردم از باب قاعده لطف امام و رهبر بیاید، زیرا در تکوین و تشریح عالم، همه مخلوقات و خاصه نوع بشر از وجود امام بهرمنند می‌شوند. از طرف دیگر؛ امام و رهبر جامعه هم باید مورد حمایت و اطاعت مردم قرار گیرد تا هم وظیفه و رسالت الهی خود را به منظور تبیین دین انجام دهد و هم این‌که در مسیر هدایت مردم را تربیت کند. در غیر این صورت، این مردم هستند که متحمل خسارت و ضرر می‌شوند؛ زیرا این افعال و کردار بشر است که سبب غیبت حجت الهی می‌شود: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا».^۲

مردم می‌توانند با اصلاح رویه رفتاری خویش نگرش خود را به ظهور معطوف کرده و با رویکرد تربیت و خودسازی علت معده در زمینه‌سازی ظهور گردند^۳ تا علاوه بر عامل اصلی (اراده خدا) علل معده ظهور، مانند فراهم بودن جامعه و پذیرش و اقبال عمومی را فراهم سازند؛ اما از آن‌جا که برخی علت غیبت را امری از ناحیه مردم دانسته و تحقق ظهور را علاوه بر اراده الهی به خواست مردم نیز بر می‌گردانند؛ باید گفت ظهور بین خدا و انسان‌ها امری مشترک است که مردم باید با ایجاد بستر مناسب و رویه اصلاحگری در فرد و جامعه، موانع ظهور را برطرف کنند.

مطابق برخی روایات، امر ظهور زمانی است که زمین پر از ظلم و فساد شده باشد که در آن

۱. الهی نژاد، مردم و زمینه‌سازی ظهور، ص ۲۵-۲۷.

۲. طوسی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۹۱؛ در صورتی که ما برای مردم نقشی در ظهور قائلیم پس افعال مردم از باب مانع می‌تواند مانع ظهور باشد و از طرفی با اصلاح رفتار و زمینه‌سازی درست می‌توان بستر سازی خوبی برای ظهور انجام داد.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «يَخْرُجُ تَأْسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطُونَ لِلْمَهْدِيِّ» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۷). پیامبر ﷺ فرمودند: «گروهی از مشرق زمین خروج میکنند و زمینه را برای ظهور مهدی ﷺ فراهم می‌کنند».

زمان خدا حجتش را برای از بین بردن ظلم و فساد ظاهر خواهد کرد؛^۱ ظلم و ستمی که از سوی نوع بشر به وجود آمده است، عاملی برای به غیبت رفتن ولی خدا شده است؛ اما برخی علل تاخیر ظهور را فراگیر شدن ظلم و ستم نمی‌دانند، بلکه نبود یار و یاور و عدم آمادگی مردم برای ظهور دانسته‌اند که اگر این مشکل برطرف شود، ظهور بدون تاخیر زودتر به وقوع می‌پیوندد؛^۲ زیرا برای تحقق انقلاب همه جانبه در جهان (ظهور) صرفاً وجود «رهبر» برای مدیریت کافی نیست، بلکه آمادگی عمومی هم لازم است. دعا و خواستن از درگاه الهی می‌تواند خود تقدم بخشی داشته باشد.^۳ پس نقش نوع بشر و حکومت‌ها بی‌ثمر نخواهد ماند.

ابن خلدون وجود حکومت و مدیریت را در بین دانشمندان و جامعه‌شناسان امری اجتناب‌ناپذیر دانسته است. لذا تشکیل دولت و شکل‌گیری حکومت برای اجرای قوانین و دوام اجتماع ضروری است.^۴ انسان از دیرباز مدنی الطبع بوده و ضرورت زندگی اجتماعی این نوع سبک زندگی را مطالبه می‌کند. حکومت دینی می‌تواند به عنوان علت مُعَدِّه با مهیا کردن مقدمات ظهور و با تربیت منتظران و تعالی بخشیدن در عرصه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و نفی وظیفه‌گرایی منفی (قائل به ترویج معاصی برای مقدم کردن ظهور) نسبت به بصیرت‌افزایی منتظران اقدام و موانع معرفت‌بخشی را برطرف کند. تدوین کتاب‌های علمی مربوط به مباحث معرفتی، برطرف کردن معضلات و مشکلات اجتماعی جامعه در مسیر ایجاد اشتغال و ازدواج، وضع قوانین آموزشی و فرهنگی در سطوح مختلف آموزش (موسسات فرهنگی، تدوین کتاب‌های آموزشی، برگزاری مسابقات مرتبط و ...) تا حدودی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشد و بستر رشد فکری و بینشی منتظران را در مواجهه با مشکلات عصر غیبت و فتنه‌ها کاهش دهد.

۱. «... أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۹).

۲. آصفی، انتظار الموجه، ص ۱۸.

۳. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم، ص ۱۱.

۴. ابن خلدون، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۵.

ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت

تشکیل حکومت در عصر غیبت از دیر باز مورد توجه اندیشمندان دینی بوده که برخی بنا به دلایلی چون (ضعف حکما، ناکارآمدی برخی حکومت‌های دینی و ...) به عدم تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت قائل شده‌اند. با وجود این، برخی از روایات به عدم تشکیل حکومت در عصر غیبت اشعار دارند؛^۱ اما این روایات علاوه بر ضعف سندی، از نظر دلالت بر مدعا دارای خدشه و مناقشات فراوانی هستند.^۲ از جمله مناقشات وارد بر آن‌ها جعلی بودن این روایات و تعارض داشتن با آن دسته از آیات و روایاتی است که بر ضرورت جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و عدم جلوگیری از تعطیلی معظم احکام شرعی دلالت دارد.^۳

به هر حال، تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت برای اجرای حدود الهی و عدم تعطیلی آن^۴ لازم است و وجوب تهیه و تدارک قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا و همچنین احکام مربوط به قضاوت، امور مربوط به صغار و مجانین و ... از مسائلی است که اهمیت و ضرورت تشکیل آن را چند برابر می‌کند.^۵ با این وجود، چون تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت ضرورت پیدا می‌کند؛ به برخی از اقدامات و فعالیت‌های موثر و نقش آفرین حاکمیت در تقویت و تعالی بخشی اندیشه‌ها و باورهای منتظران می‌پردازیم:

۱-۲. شناخت و تقویت باورمندی به امام عَلَيْهِ السَّلَام و پاسخ به شبهات مربوط به امامت

اعتقاد به امامت و جانشینی امامان بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از مهم‌ترین اصول مذهب شیعه است. معرفت و ایمان به ظهور و خروج امام و حجت الهی و شناخت ابعاد همه جانبه ایشان، همچنین معرفت به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام یکی از باورهای اصیلی است که نزد بسیاری از علمای فریقین

۱. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵ ح ۴۵۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۴، ح ۹ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲.

۲. آقایی، امیری قوام، ص ۴۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ح ۴۱۱.

۴. حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۴، ص ۴۶۳.

۵. خمینی، البیع، ج ۲، ص ۴۶۱.

به اثبات رسیده است و جزء عقاید شیعه و بعضاً اهل سنت محسوب شده است.^۱ بشارت به آمدن مردی از خاندان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخر الزمان که از دیرباز مورد توجه جدی همه ادیان خاصه مسلمانان بوده است، تا جایی که برخی از عالمان اهل سنت این باور را واجب دانسته‌اند.^۲ با گذشت زمان و رشد اسلام، دشمنان و معاندان همواره با قدرت و جدیت به مبارزه علیه اسلام و مسلمانان پرداخته و با تولید شبهات، در کم رنگ کردن باورهای اصیل مسلمانان خاصه شیعیان تلاش داشته‌اند؛ به طوری که قرآن در آیه ۵ سوره قصص به عنوان بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر به برجیده شدن ظلم و استقرار حکومت انسان‌های آزاده اشاره می‌کند.^۳ همچنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا يَلِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَانِهِ؛ هر کس که امامش را شناخت و قبل از قیام صاحب این امر از دنیا رفت، مانند کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت‌گزاری کرده است؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.^۴

بدیهی است؛ زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَرْجِيهَ الشَّرِيفِ، بدون شناخت آن بزرگوار امکان‌پذیر نخواهد بود و حاکمیت دینی با توان و پتانسیلی که دارد، می‌تواند در شناساندن امام و جایگاه مهم او به مردم نقش آفرینی کند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره لزوم معرفت به امام می‌فرماید:

... إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرْك تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَسِنَّ عَرَفَ إِمَامَهُ

۱. بالاتر این که بسیاری از عالما، مطابق روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به کفر منکر حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَرْجِيهَ الشَّرِيفِ فتوا داده‌اند. عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من أنكر المهدي من ولدي فقد كذب بي أو فقد أنكرني». (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۱۲، ح ۰۸).
۲. سفارینی، لوامع الأنوار البهية، ج ۴، ص ۸۴.
۳. «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُرَّ عَلَى الَّذِينَ أَسْتَضِعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).
۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.
۵. نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱.

كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فَسْطَاطِ الْقَائِمِ، امام زمان خویش را بشناس. پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر [ظهور] آسیبی به تو نخواهد رساند... پس هر کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم باشد.

عدم شناخت امام نیز به مثابه مرگ جاهلیت توصیف شده است: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة؛^۱ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» در عصر غیبت که دسترسی به حضور فیزیکی امام امکان پذیر نیست حاکمیت اسلامی این وظیفه را دارد که زمینه‌های تقویت باورها و اندیشه‌های دینی را هموار سازد تا علاوه بر شناخت مقام و جایگاه امام به عنوان مظهر تجلی اسما و صفات هدایتی و تربیتی حق تعالی به تعالی بخشی بینش اعتقادی مردم در جامعه بپردازد، تا با نهادینه کردن جایگاه الهی امام جنبه‌های هدایتی و راهنمایی بشر و نیازهای کمال خواهی او را کامل گرداند؛^۲ چون امام، هادی امت بوده و هست و سبب نجات از گرفتاری‌ها و معضلات جامعه می‌گردد. فضیل از امام سوال می‌کند که مراد خدا در آیه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ چیست؟ حضرت جواب دادند: «هر امامی هادی برای قری است که او در میان مردم آن قرن است.»^۳ از آن جا که امام قرن ما حضرت مهدی علیه السلام است؛ باید اندیشه منتظران و شیعیان را نسبت به وجود آن امام همام تقویت کند. لذا مهم‌ترین اقدام حاکمیت در تقویت اندیشه و باورمندی منتظران نسبت به وجود مبارک امام زمان علیه السلام می‌تواند شناساندن بیش‌تر حضرت به مردم باشد؛ زیرا به دلیل علو مقام و جایگاه امام معصوم علیه السلام، همچنین مجرای فیض الهی و مظهر تام تجلیات اسما و صفات الهی بودنش برای هدایت و تربیت مردم، شناخت و معرفت او ضرورت می‌یابد و حاکمیت باید بسترهای معرفت‌افزایی مردم را نسبت به امام ایجاد کند.

۱. ابن حنبل، احادیث المهدی فی مسند احمد ابن حنبل، ص ۲۱.

۲. ملکی راد، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، ص ۶۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱؛ ص ۱۹۱: «عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ < وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ > فَقَالَ كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ. فَضِيلُ مِنْ إِمَامٍ صَادِقٍ علیه السلام دَرَبَارَه آيَه < وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ >.

بله شناخت امام از مقوله معرفت است و معرفت امری موهبتی است و از مقوله کتاب و درس نیست، بلکه نیاز است به فراهم کرد بسترهای خاص معرفت افزایی برای ایجاد یا تقویت باورمندی به وجود چنین شخصیت عظیمی که دسترسی به آن ممکن نیست. البته این، کاری بس مشکل بوده و تنها مؤمنان هستند که این اندیشه را دارند و با ایمان به غیب در آن‌ها سبب شناخت امام می‌شود.

اقدام دیگر حاکمیت در تقویت باورهای اعتقادی خاصه در حوزه امام شناسی، پاسخ به شبهات در مورد مسائل امامت است که از سوی برخی فرقه‌ها (وهابیت و غیره) و شبکه‌های ماهواره‌ای مطرح می‌شود. با تولید و نشر شبهات اعتقادی از سوی مغرضان، شاهد بی اعتقاد شدن مردم، مخصوصاً جوانان در عرصه‌های اعتقادی هستیم. پاسخ به این شبهات و تقویت مبانی اعتقادی خاصه در حوزه‌های مختلف امامت اعم از: ۱. علل خلقت امام؛ ۲. جایگاه امام و نقش او در تکوین و تشریح؛ ۳. اهمیت و ضرورت شناخت امام؛ ۴. برکات وجودی امام در نظام تکوین و تشریح؛ ۵. کارکردهای حضور امام و ... سبب نجات گمراهان از گمراهی شده و عاملی برای تقویت مبانی امامت از دو بعد عقلی (قاعده لطف و برهان حکمت) و نقلی (روایات اقامه حجت از سوی خدا، علم بودن امام، واسطه فیض بودن بین خالق و مخلوق در عصر غیبت، واسطه نزول نعمت) این امکان را فراهم می‌دارد که تا حدی این باور در ذهن مخاطبان تقویت و رشد یابد.

بر اساس روایت امیر المومنین علیه السلام: «الْأَنْسَاءُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ «امرا و دولت‌ها دارای نفوذ اجتماعی و فرهنگی در بین مردم هستند و می‌توانند بر بینش‌ها و گرایش‌های رفتاری مردم تاثیر گذار باشند. لذا قاطبه مردم به اجرای دستورالعمل‌ها و قوانینی موظف هستند که توسط حکومت به تصویب می‌رسد. بنابراین، در صورت ایجاد انحرافات اعتقادی و فرهنگی و سیاسی، حکومت اسلامی موظف است با اجرای سیاست‌های دقیق از گسترش و تاثیر گذاری آن بر مردم و جامعه جلوگیری کند. ایجاد باورمندی برای منتظران در مورد جایگاه حجت الهی مطابق با

۱. حرانی، تحف العقول فیما جاء من الحکم و المواعظ عن آل رسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۰۸.

روایاتی همچون عدم خالی بودن زمین از حجت الاهی^۱، اضطراب به وجود حجت در اصلاح و تربیت مردم^۲؛ امام برگزیده خداست^۳ و همچنین علم و عصمت امام؛ دارای اهمیت است و باید اسباب تقویت بینش عمیق منتظران نسبت به ساحت امام معصوم علیه السلام فراهم گردد؛ زیرا غفلت از مسیر آموزش و تربیت مردم سبب هلاکت ابدی آنان شده است. لذا باید برای تعالی بخشی و استحکام ارزش‌های اعتقادی و بینشی اقداماتی از سوی حکومت صورت گیرد.

برگزاری کلاس‌های مرتبط، نشر و چاپ آثار مفید و مناسب با موضوعات امامت، ایجاد حلقه‌های معرفتی و جلسات تبیین با موضوع امامت و وظایف آن، سبب تقویت نگرش به این مهم می‌گردد؛ زیرا امام احیا کننده زمین و اهل آن است^۴ و عدم شناخت امام علیه السلام موجب اضلال و گمراهی شده^۵ و ضرورت پرداختن به این مهم را برای هر انسان عاقلی فراهم می‌کند تا برای رهایی از گمراهی خود اقدامی انجام دهد.

۲-۲. تقویت اندیشه ظهور با ایجاد روحیه امید

حاکمیت دینی باید همواره در مسیر پویایی و شکوفایی منتظران تلاش کند و موضوع انتظار و ظهور را به خوبی برای مردم تبیین کند. باور و اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان و حتمی بودن تحقق وعده الاهی در نجات جامعه و انسان‌ها می‌تواند روحیه انتظار و باورمندی به ظهور را در

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۲۳

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. همان، ص ۲۱۴.

۴. همان، ج ۸، ص ۲۶۷: در ذیل آیه <أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا> (حدید: ۱۷) چنین آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: <اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا> قَالَ الْعَدْلُ بَعْدَ الْجَوْرِ. مُحَمَّدٌ حَلْبِيُّ كُوفِيٍّ: از امام صادق علیه السلام درباره این کلام خداوند عز و جل: <اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا> پرسیدم؛ آن حضرت فرمود: مقصود، عدل پس از ظلم است.»

۵. دعای غریقی: شیخ صدوق این دعا را در کتاب کمال الدین نقل کرده است: «اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك، اللهم عرفني نبيك فانك ان لم تعرفني نبيك لم اعرف حجبتك، اللهم عرفني حجبتك فانك ان لم تعرفني حجبتك ضللت عن ديني.»

بین منتظران تقویت کند.^۱ اندیشه حتمی بودن ظهور فردی از بنی الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام در آخر الزمان که سبب از بین بردن همه فسادها و ظلم‌ها می‌شود، موجب امید در بین منتظران و باعث رشد و بالندگی در جامعه می‌گردد. این باورمندی موجب نجات و رستگاری منتظران، همچنین موجب مصونیت بینش آنان در مقابل شبهات و اندیشه انکار مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌گردد.

با وجود این‌که امر ظهور وعده‌ای تخلف ناپذیر است^۲؛ با طولانی شدن زمان غیبت، برخی وجود آن حضرت را انکار می‌کنند؛ در حالی که روایات فریقین، منکر خروج مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را کافر می‌شمارند.^۳ حاکمیت دینی باید وقوع ظهور را به درستی تبیین و با همکاری مراکز دینی (حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی، همچون مدارس و دانشگاه‌ها) بسترهای آموزش و تقویت مباحث اعتقادی و بینشی را برای مخاطبان خود، خاصه منتظران فراهم کند و همچنین با نشر آثار مربوط، گامی در مسیر تعالی بخشی به این مهم بردارد. کمک به تقویت این باور در اندیشه منتظران، علاوه بر نجات آنان از ظلمات کفر و ضلالت^۴، عاملی در ایجاد انگیزه در پویایی و حرکت جامعه به عنوان عامل پیشران در تعالی و رشد آنان می‌گردد. با تشکیل حکومت در عصر غیبت، این امکان برای دولتمردان حاصل می‌شود تا اقدامات لازم آموزشی و عملی برای تقویت مبانی اعتقادی و بینشی منتظران فراهم گردد تا آسیب‌های اعتقادی را به حد اقل برسانند. امام

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۶۱.

۲. توبه: ۳۲ و ۳۳. > هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

۳. ر.ک: شوشتری، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، ج ۱۳، ص ۲۱۳؛ عقد الدرر ۲۰۹، ۹؛ العرف الوردی للسيوطی ۲: ۸۳ و فرائد السمطين ۲: ۳۳۴، ح ۵۸۵.

۴. نعمانی، الغیبه، النص، ص ۱۶۶. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ إِنَّ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةُ وَ هُوَ الْمُنتَظَرُ وَ هُوَ الَّذِي يُبْشِكُ فِي وِلَادَتِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ بِلَا خَلْفٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمَلٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ غَائِبٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بِسِنِينَ وَ هُوَ الْمُنتَظَرُ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ قُلُوبَ الشَّيْعَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُنبَطِلُونَ يَا زُرَّارَةُ قَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَةُ مَتَى أَدْرَكَتْ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّكَ عَن دِينِي».

جواد این امیدواری را واجب دانسته است و می‌فرماید:

قائم ما اهل البيت عليه السلام ، همان مهدی است که واجب است در غیبتش منتظرش
بمانند و در ظهورش از او اطاعت کنند.^۱

۲-۳. تقویت اندیشه مبارزه با دشمنان و مدعیان دروغین

یکی از آسیب‌های جدی در عرصه امامت وجود دشمنان و مدعیان دروغینی است که در
هیبت دوست ظاهر می‌شوند و با برداشت‌های ناصواب از مباحث اصیل مهدوی به سست کردن
باورهای منتظران واقعی اقدام می‌کنند. اینان به راستی، همان دشمنان واقعی و مدعیانی
هستند که خیل زیادی از عاشقان را به انحراف می‌کشانند. این مدعیان به اندیشه شیعی
منحصر نبوده، بلکه همه فرقه‌های اسلامی (شیعه و اهل سنت) با این موضوع (مهدیان
دروغین) درگیر بوده‌اند. انگیزه‌هایی همچون قدرت طلبی، طمع نسبت به ثروت و گرایش‌های
خاص سیاسی و حزبی سبب شکل‌گیری این فرقه‌ها منحرف شده که با بهره‌گیری از جهل و
ناآگاهی مردم نسبت به مسائل دینی و اعتقادی سبب انحرافات اعتقادی عمیق در بین مردم
می‌شود.^۲

آنچه در چارچوب و اصول فکری مدعیان دروغین وجود دارد، این است که با بهره‌گیری از
جهل مردم، تبیین نادرستی از آموزه‌های دینی ارائه کنند و با استفاده از ابزار مختلف رسانه،
تالیف کتاب و تشکیل نشست‌های انحرافی و ... به ترویج عقاید گمراه کننده خود پرداخته و
جمعی از مردم را به دام انحرافات بکشانند. هرچند این مسئله به دوران حکومت اسلامی
منحصر نیست و در همه ادوار بوده است، حاکمیت اسلامی می‌تواند با تمام اقتدار در مقابل این
انحرافات بایستد و جلو انحراف جدی را بگیرد. اقدام مهمی که حکومت اسلامی باید در ایمن
سازی اعتقادات مردم در مواجهه با این معضل، انجام دهد، معرفی این مدعیان دروغین و

۱. خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۸۱.

۲. ر.ک: محمدی ری شهری، دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۱، ص ۲۹.

مبارزه با آن هاست. شخص منکر امامت یا مدعی امامت به نوعی مرتد به حساب می‌آید و باید اعدام شود.^۱ دستگیری و اعدام این افراد اقدامی است که باید از سوی حکومت با این قدرت و صلابت صورت بگیرد؛ زیرا تا الزام به دستگیری و یا زندان در عمل محقق نشود، این قبیل انحرافات همچنان باقی خواهد بود.

حتی اقداماتی که بعضا از سوی امامان شیعه در مقابله با منکران و مدعیان دروغین صورت گرفته، قابل تامل است. اعلام تکذیب نسبت به مدعیان مشاهده و تعیین کنندگان وقت ظهور در روایات مختلفی با عنوان «کراهیة التوقیت» در کتاب های روایی ذکر شده است.^۲ احمد بن هلال عبرتایی کسی بود که نسبت به امامت ادعایی نداشت و صرفا نیابت خاص محمد بن عثمان را منکر شد که حضرت با افشا کردن این جریان و برائت جستن از تفکرات انحرافی او ایشان را صوفی متصنع خواند و او را مورد لعن و نفرین قرار داد و فرمود:

لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا؛^۳ هیچ عذری از هیچ یک از دوستان ما پذیرفته نیست که در مطالب نقل شده از ما، توسط افراد مورد وثوق ما شک و تردید کنند.

اقدام حضرت در این باره حجتی است برای تمام دست اندرکاران حکومت که با احساس مسئولیت نسبت به این حوادث نقش آفرینی کنند و در شناسایی و متلاشی کردن کانون انحراف و آگاهی بخشیدن به مردم و پیشبرد سلامت اعتقادی جامعه اقدامات لازم را انجام دهند. برخی از اقداماتی را که از سوی حکومت قابل اجرا است، می‌توان اشاره کرد: ۱. از آن جا که مهدویت در فرهنگ اصیل شیعیان نهادینه شده است، باید با اصلاح زمینه‌های فرهنگ مهدی خواهی، سایر مدعیان دروغین را معرفی و کذب آنان را بر ملا ساخت، همان‌طور که در روایت

۱. خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۲.

۳. کشی، رجال کشی، ص ۵۳۵.

نسبت به تکذیب آنان اشاره شده است: «کذب الوقتون و هلک المستعجلون»^۱؛ ۲. چاپ و نشر کتاب‌های پاسخ به شبهات مدعیان دروغین؛ ۳. مبارزه با کانون‌های تولید کننده شبهه و ... که سبب آگاهی بخشی به مردم می‌شود.

۲-۴. معرفت افزایی نسبت به صفات و ویژگی‌های امام

مطابق برخی آیات^۲ و روایات^۳ اعمال مردم بر رسول الله و ائمه علیهم‌السلام عرضه می‌گردد و آن‌ها شاهد اعمال مردم هستند. توجه به این امر، هم عاملی برای معرفت افزایی فرد منتظر نسبت به حجت الهی می‌گردد و هم در بعد خود سازی و خویشتن داری در ارتکاب نواهی می‌تواند به تعالی و کمال شخص کمک کند؛ زیرا اگر کسی به این باور برسد که افرادی بر اعمال و رفتار او نظارت دارد و اعمالش بر آنان عرضه می‌گردد، دامن خود را از آلودگی‌ها و منکرات حفظ می‌کند. یکی از اقداماتی که باید از سوی دولت اسلامی برای تعالی و هدایت بخشی نسبت به بینش منتظران انجام گیرد، عمق بخشی به این دست باورهاست تا مردم نسبت به حضور امام در بین مردم و سرکشی ایشان از کارهایشان توجه کافی داشته باشند.^۴

همچنین از برخی آیات به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمان و برای هر امتی خداوند افرادی معصوم از خطا و اشتباه قرار داده تا در روز قیامت به اعمال آنان گواهی دهند. کسی که قرار است شاهد بر اعمال امت باشد، نباید در شهادتش اشتباه کند، و نیز باید بر همه اعمال امت احاطه علمی داشته باشد. اینان کسانی‌اند که در امر هدایت بشر حجت خدا در روی زمینند.

فخر رازی در ذیل آیه **﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا﴾**^۵؛ «و [در آن روز] از هر امتی گواهی بر می‌گزینیم.» می‌گوید: «آنان شاهدانی هستند که در هر زمان بر مردم

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. توبه: ۱۰۵.

۳. صفاری، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۲۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۵. قصص: آیه ۷۵.

شهادت می دهند که از جمله آن ها انبیا هستند.^۱ نیز در ذیل آیه «يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا»؛^۲ روزی را که از هر امتی گواهی بر آنان بر می انگیزیم.» می گوید: هر جمعی که در دنیا به وجود می آید لازم است کسی به عنوان شاهد در میان آن ها وجود داشته باشد».^۳

شاهد در زمان رسول خدا ﷺ خود حضرت بود، به دلیل آیه: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛^۴ و نیز لازم است که در هر زمان بعد از رسول، شهادی در میان امت باشد. کاری که حکومت در عمق بخشی به این باور می تواند انجام دهد، این است که با تدوین کتاب های آموزشی در دوره های مختلف آموزشی (مدارس و دانشگاه) می تواند معرفت افزایی را در بین عاشقان و منتظران افزایش دهد. همچنین نهادهای دینی و مذهبی همچون صدا و سیما، حوزه های علمیه، امور مساجد و سازمان اوقاف می توانند با برگزاری جلسات روشنگری به این مباحث رسیدگی کنند.

۲-۵. تقویت بینش منتظران در دشمن شناسی و دشمن ستیزی

در عصر غیبت، دشمن با راهکارهای اساسی و خطرناک و در قالب لباس دوست، اندیشه و باورهای منتظران را مورد حمله قرار می دهد. از آن جا که تولا و تبرا^۵ از مهم ترین واجبات دینی محسوب می شوند و التزام به آنان برای همه جویندگان هدایت و رستگاری، به ویژه منتظران ظهور که سر در گرو ولایت امام عصر دارند، ضرورت دارد؛ باید نسبت به دوستی و دشمنی با دوستان و دشمنان اهل بیت حساست لازم را نشان دهند. مطابق روایت امام رضا علیه السلام کمال دین با

۱. فخر رازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۵، ص ۱۲ و ۱۳.

۲. نحل: ۸۴.

۳. همان، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۵۵.

۴. بقره، ۱۴۳ «همان گونه [که قبله شما، يك قبله میانه است] شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم [در حد اعتدال، میان افراط و تفریط] تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه است».

۵. مراد از تولا پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن (ابن منظور، لسان العرب ۱۳، ص ۴۰۷) و تبرا همان دشمن ستیزی و بیزاری از دشمنان الهی است. (فیومی، فرهنگ ابجدی، ص ۶۷۲).

ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست؛ زیرا ولایت اهل بیت در حق کسی کامل نمی‌گردد مگر با برائت جستن از دشمنان ما (دور باشد یا نزدیک).^۱

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل و همآوری دو «ولایت» است: انسان‌ها در این فرهنگ، یا در خط ولایت خدا و دوستان خدا هستند و یا در خط ولایت شیطان و دوستان او. از یک سو خدا و مومنان هستند که خدا خودش را ولی و سرپرست مومنان معرفی می‌کند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۲. از سوی دیگر، ابلیس (طاغوت) و ولایتش قرار دارد که بر سر کفار گسترده شده است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»^۳. شیطان به عنوان دشمن آشکار در پی ایجاد فتنه و نزاع بین انسان‌هاست^۴ که خدا برحذر شدن از او را دستور داده است. در مقابل کفار را به عنوان دشمن مومنان معرفی می‌کند.^۵ زیرا باید از یک سو سر در گرو ولایت حق و پیروان آن داشته باشد و از سوی دیگر، از ولایت شیطان و پیروان او بیزاری بجوید و این همان حقیقت «تولاً» و «تبراً» است که در مکتب تشیع بر آن تأکید فراوان شده است.

حکومت دینی باید با تمام قوا برای شناساندن دشمن به منتظران اقدامات لازم را انجام دهد. شناخت دوست و دشمن در مسیر ولایت پذیری و تبعیت از امام بسیار لازم و ضروری است؛ زیرا شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان مقدمه دل بستن و در آویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است مطابق فرموده امام صادق علیه السلام: «دوستی فرع [حاصل] معرفت است؛ ... الحبّ فرع المعرفة»^۶ این بیان نورانی بیانگر ضرورت دوستی و محبت در کنار معرفت

۱. «کمال الدین ولایتنا و البراءة من عدونا لا یتیم الولایة ولا تخلص المحبّة ولا تثبت المودّة لآل محمد علیهم السلام إلا بالبراءة من عدوهم قریباً کان أو بعیداً»؛ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸).

۲. بقره: ۲۵۷.

۳. همان.

۴. اسراء: ۵۳.

۵. نساء: ۱۰۱.

۶. همان، ج ۶۷، ص ۲۲.

است از این رو، برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند، «دوست شناسی» و «دشمن شناسی» ضروری است.

تا زمانی که معرفت و بصیرت لازم و کافی به دشمن حاصل نشود و بصیرت مردم نسبت به دشمن زیاد نگردد، حق ولایتمداری نسبت به امام و تبعیت از ایشان آن گونه که باید به جا آورده نمی شود و شناخت نسبت به کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند؛ محقق نمی گردد. لذا حمایت و تبعیتی هم از امام صورت نمی گیرد. بنابراین، دولت اسلامی باید در حد لزوم نسبت به توانمند سازی جبهه منتظران در حوزه های دفاعی و دشمن شناسی اقدام و باورهای منتظران را در این دو حوزه به شدت تقویت کند؛ زیرا با تقویت بینش دشمن شناسی و دشمن ستیزی جبهه «ولایت» قوت گرفته و در فتنه ها و تند بادهای زمانه دچار تزلزل و سقوط نمی گردد. همچنین داشتن نیروی توانمند نظامی و سپاه قدرتمند در برابر حملات و تهاجمات دشمن از ضروری ترین دستاوردهای حکومت دینی می تواند باشد تا چنین حکومتی بتواند با آمادگی بیش تر حمایت خود را از دولت مهدوی داشته باشد. مصادیق بارز در عدم دشمن شناسی و بصیرت به هنگام یاران امام را می توان در دوران امامت امیر المومنین علیه السلام و حسنین علیهما السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام مشاهده کرد که به خانه نشینی، زندانی و شهید شدن اهل بیت علیهم السلام منجر گردید.

۲-۶. تقویت باورمندی به تاثیر وجود امام در نظام تکوین و تشریح

باورمندی به وجود امام از آثار شناخت اوست و هر شخص با این باور عمیق همواره خود را در معرض هدایت امام می بیند؛ حتی برخی از علمای اهل سنت بر این اندیشه صحه گذاشته و آن را باور کرده اند تا جایی که علامه البانی، رجالی بزرگ اهل سنت، عقیده به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را واقعی دانسته و با تواتر حدیثی اثبات کرده است.^۱ تقویت این بینش الزاماتی برای منتظر دارد که سبب جهت یابی در حوزه تربیت مهدوی و تعالی بخشیدن به افکار و

۱. آلبانی، موسوعه الالبانی فی العقیده، ج ۹، ص ۲۷۸.

اندیشه‌های او می‌گردد. باورمندی منتظران نسبت به جایگاه و نقش امام در نظام تکوین و تشریح که «ان الامامه اس الاسلام النامی و فرعه السامی»؛ امامت، ریشه و اساس اسلام و شاخه سربلند آن است.»

در حدیث کساء چنین آمده است:

... وَعَزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَرَأً مُنِيرًا، وَلَا شَمْساً مُضِيئَةً وَلَا فَلْكَاً يَدُورُ، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فُلْكَاً يَسْرِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ...؛ به عزت و جلال خودم قسم! این آسمان موجود و زمین کشیده شده و ماه نورانی و خورشید روشنی‌دهنده و فلک حرکت‌کننده و دریای روان و کشتی سیار را نیافریده‌ام، مگر برای خاطر شما و دوستی شما» و «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتَمُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُنْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْأَهْمُ، وَيَكْشَفُ الضُّرَّ...؛ خدا با شما آغاز کرده است، و با شما پایان می‌بخشد، و به یمن وجود شما باران را فرو می‌بارد، و آسمان را از سقوط بر زمین بدون اذنش باز می‌دارد، و به وسیله الطاف شما غباراندوه را از دل‌ها می‌زداید، و سختی زندگی و بدی حال را برطرف می‌سازد.^۲

فهم دقیق این مطلب نکته ای است راهگشا و محور آنچه مورد بحث است و بدان اشاره شد: عالم علاوه بر علت محدثه به علت مبقیه هم محتاج است و علاوه بر اراده الاهی وجود امام نیز در دوام و بقای هستی لازم و ضروری است؛ زیرا:

بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ^۳؛ به بقایش دنیا باقی است، و از برکتش بندگان روزی یافته‌اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است.

امام عليه السلام مجرای خیر و فیض الاهی و سبب جلب خیرات و برکات در دنیا و آخرت است.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸.

۲. المزار الکبیر (لاین المشهدی)، ص ۵۳۲؛ قمی، مفاتیح الجنان، ص ۸۵۶.

۳. مجلسی، بحار الانوار عن جامع الدرر الاخبار، ج ۲۳، ص ۱۹.

حاکمیت این وظیفه را دارد تا با ایجاد بسترهای مناسب، از جمله نشر و گسترش کتاب‌ها و مقالات مرتبط، ساخت فیلم‌ها و مستندهایی با موضوعات مرتبط با سیره معصومان علیهم‌السلام و همچنین برگزاری همایش‌ها، مسابقات و جلسات علمی؛ ابعاد وجودی امام را بیش‌تر به جامعه مخصوصاً نسل جوان بشناساند. هر چند شخص به صورت محسوس وجود امام را درک نمی‌کند و در ظاهر دسترسی به او را ندارد؛ اما با استفاده از برخی از مبانی دینی می‌توان این‌اندیشه را در او تقویت کرد.

۲-۷. پیوند دین با اقتصاد

وجود مشکلات عدیده در زندگی، یکی از مولفه‌های دین‌گریزی مردم، مخصوصاً جوانان است. این مشکلات بعضاً با تضعیف بینش‌های اعتقادی مردم سبب بی‌اعتقادی آنان می‌شود و آن‌ها را از مسیر درست دین خارج می‌کند. تقویت زیرساخت‌های اقتصادی در بین خانوارها و همچنین گسترش سفره مردم در تامین مایحتاج زندگی‌شان تا حدودی می‌تواند بار فشارهای گسترده اقتصادی را از دوش مردم بردارد و آنان را از چالش‌های تاثیر بی‌اعتقادی نجات دهد.

مطابق برخی روایات عدم تامین امنیت اقتصادی و رسیدگی به اوضاع معیشت مردم ممکن است آن‌ها را به مرز کفر برساند؛ همان‌طور که از قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن اشاره شده است: «عَلِيٌّ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»؛ چه رسد به باور به وجود امام که در مرتبه بعد از باور به توحیدی قرار دارد. لذا حاکمیت اسلامی می‌تواند با رعایت حقوق اقتصادی نسبت به تامین‌اندیشه‌های اعتقادی مردم چاره‌جویی کند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

نتیجه

مطابق آنچه گذشت، حکومت دینی نهادی بر آمده از آموزه‌های دینی و سیاسی و با پشتیبانی مردمی است که می‌تواند بر حوزه‌های بینشی و گرایشی و کنشی مردم تاثیر گذار باشد و در این بین وظایفی بر عهده دارد، از جمله اینکه باید امنیت ظاهری و اعتقادی مردم را تقویت و حفظ کند و نمی‌تواند به ایمان و اعتقاد مردم جامعه بی تفاوت باشد؛ زیرا اولاً، این حکومت برخاسته از اسلام و وامدار آن است و مشروعیت و اقتدارش را از اسلام دارد؛ ثانیاً، دولت مردان و دست‌اندرکاران حاکمیت زمانی می‌توانند به نام اسلام حکومت کنند که باورهای مردم نسبت به اسلام معتقد و پا برجا باشد و از دولت‌مردان خود حمایت کنند. اگر مردم به دین و احکام اسلامی، معتقد نباشند یا برای عمل آمادگی لازم را نداشته باشند، یا از اصل حاکمیت دینی حمایت نکنند، به هیچ عنوان آن مقبولیت کافی را نخواهد داشت و عملاً امکان حاکمیت و اجرای دستورهای دین در جامعه محقق نخواهد شد، چه رسد به این‌که نسبت به اندیشه و باور مردم تاثیر گذار و یا نقش آفرین باشد. بنابر این، حاکمیت دینی برای حفظ موجودیت خود لاجرم باید با اصول و مبانی خاص دینی دستورالعمل‌هایی را تنظیم و اجرایی کند تا نسبت به جامعه، حکمرانی لازم را بر اساس دستورهای خدا و پیامبر ﷺ داشته باشد و برای تقویت و تعالی اندیشه و بینش مردم اقداماتی را انجام دهد.

برخی از این اقدامات را می‌توان شامل موارد زیر است:

- تعلیم و تربیت در جهت تعالی بخشیدن به بینش منتظران؛
- شناساندن مدعیان دروغین و بدعت گذاران و حفاظت و صیانت از محتوای دین در مقابله با آنان؛
- ایجاد زمینه‌های بصیرت افزایی و دشمن شناسی در بین مردم، مخصوصاً جوانان؛
- تقویت روح امید آفرینی و انتظار برای ظهور آخرین منجی و رهبر الهی؛
- تامین اقتصاد و رفاه نسبی در بین مردم برای که هرچه بیش تر منتظران را نسبت به ظهور حضرتش آماده و مهیا سازد.

منابع

قرآن مجید

۱. آصفی، محمد مهدی، *الانتظار الموجه*، قم، نشر فرهنگ مشرق زمین، ۱۳۸۵.
۲. البانی، محمد ناصرالدین، *موسوعه الالبانی فی العقیده*، بی جا، چاپ نعمان البحوث فی الدراسات الاسلامیه، ۱۴۳۱ق.
۳. ابن خلدون، عبد الرحمن، *مقدمه*، تهران، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۴. الهی نژاد، حسین، *مردم و زمینه سازی ظهور*، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.
۵. بخشیان، ابوالقاسم، *راهبردهای تعالی معنوی انسان در قرآن*، بی جا، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۳.
۶. برنجکار، رضا، *وظایف جوانان در عصر غیبت*، نشریه جامعه مهدوی، ۱۴۰۱.
۷. پورسید آقایی، امیری قوام، *بررسی چالش‌های روایی تشکیل حکومت در عصر غیبت*، مشرق موعود، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸.
۸. بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی*، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۶.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، *المصاحح تاج اللغة*، بی جا، نشر دارالعلم للملایین، ۱۹۵۶م.
۱۰. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ عن آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۶۲.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، نشر جامعه المدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۲. حنبل، احمد، *أحادیث المهدي علیه السلام من مسند أحمد بن حنبل*، قم، جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، تهران، دفتر نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۵. رضی، ابوالحسن، *نهج البلاغه*، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۹.

۱۶. سفارینی حنبلی، محمد، *لوامع الأنوار البهية و سواطع الأسرار الأثرية*، لبنان، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. شبان نیا، قاسم، *فلسفه سیاست*، قم، نشر موسسه امام خمینی، ۱۳۹۸.
۱۸. شفیع سروسنانی، ابراهیم، *انتظار بایدها و نبایدها*، تهران، نشر موعود عصر، ۱۳۷۸.
۱۹. شوشتری، قاضی نور الله، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۳۷.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۶.
۲۱. صفار، ابوجعفر محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل اهل البيت علیهم السلام*، قم، نشر مکتبه المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. صفائی حائری، علی، *از معرفت دینی تا حکومت دینی*، قم، نشر لیله القدر، ۱۳۸۶.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)*، مشهد، نشر مرکز مطالعات دانشگاه ۱۳۴۸.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. _____، *کتاب الغیبه*، قم، نشر دارالمعارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. _____، *کشف المراد فی شرح تجدید الاعتقاد*، بیروت، طبع موسسه الاعلمی، ۲۰۱۲ م.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، *تفسیر مفاتیح الغیب*، بیروت، نشر دار الاحیاء لتراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۵۲.
۲۹. قنبری نیک، محسن، *ویژگی های اجتماعی جامعه منتظر از منظر آیت خامنه ای*، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود سال نوزدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۸.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، نشر دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار عن جامعه لدرر الاخبار آل الرسول ﷺ*، قم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۲.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد و جمعی از نویسندگان، *دانشنامه عقاید اسلامی*، قم،

دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۳۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۳.

۳۴. ملکی راد، محمود، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم، نشر پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.

۳۵. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، قم، نشر

جمکران، ۱۳۹۳.

۳۶. موسوی خمینی، روح الله، *کتاب البیع*، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۹۱.

۳۷. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، نشر دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۹۲.

۳۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبه*، قم، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۲.

۳۹. واعظی، احمد، *حکومت اسلامی (درسنامه اندیشه سیاسی اسلام)*، قم، مرکز مدیریت

حوزه‌های علمیه، ۱۴۱۰ق.